

الباب الخامس و العشر من الواحد الثالث من آمن ”بمن يظهره...“

حضرت باب

اصلى فارسى



الباب الخامس و العشر من الواحد الثالث من آمن ”بمن
يظهره الله“ فكأنما آمن بالله و ما امر الله به فى كل العوالم و
من لم يؤمن به و ان آمن بالله و ما امر به من قبل فكأنه ما
آمن و يدخل فى النار.

ملخص اين باب آنكه ظهور الله در هر ظهور كه مراد از مشيت اوليه باشد بهاء الله بوده وهست كه كلشيئ نزد بهاء او لا شيئ بوده و هستند هر نفسى كه ايمان بظهور بعد او آورد گويا ايمان آورده بظهورات او كلا از قبل و بعد در آن ظهور نه ظهور بعد زيرا كه ظهور بعد در آنظهور همان ظهوراست نفس چهارده ساله قبل آنكه بنوزده نرسیده نوزده او در همان چهارده هست

اينست كه هر كس ”بمن يظهره الله“ ايمان آورد و ايمان بآنچه او امر فرموده آورد ايمان آورده است بخداوند از اولى كه از براى او اول نيست و در ظل رضای خداوند بيرون آمده بکل رضای او در هر ظهورى و هر كس ايمان باو نياورد اگر چه در كل عوالم در ايمان و رضای خداوند بوده كل هباء منثورا ميگردد كانه ما آمن بالله طرفة عين



ORIGINAL



AUDIO

چنانچه همین قسم در نقطه بیان ظاهر است نزد اولوالافئدة و در فرقان اظهر است نزد کل هر کس ایمان بمحمد رسول الله - صلی الله علیه و اله - آورده بیقین ایمان آورده بخداوند و اوامر او در کل عوالم و هر کس ایمان باو نیاورده ایمان بخداوند نیاورده و اوامر او در هیچ عوالم این است که حکم دون ایمان بر من علی الارض شده دون مؤمنین بقرآن در آن زمان و لتتقن الله ان یا اولی العلم کلکم اجمعون

چه بسا نفسی در ظهوری مؤمن و در ظهور دیگر در نار و چه بسا نفسی که در ظهور قبل در نار و در ظهور بعد در جنت و از برای ظهور الله نه اول بوده و نه آخر که بتوان ذکر نمود اگر کسی در هزار هزار ظهور مؤمن نباشد و در آن ظهور بعد از هزار هزار مؤمن شود کل این عوالم او مبدل بایمان میگردد و اگر نعوذ بالله بر عکس بر عکس زیرا که در نزد هر ظهور آنچه رضاء الله هست در نزد او است چه قبلا و چه بعدا

مثلا در حین ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - آنچه رضاء الله بوده الی اول ظهور قائم - علیه السلام - کلا در رضای او بوده و رضای ظهور آن در آن روز همان رضای رسول الله - صلی الله علیه و اله - بوده چنانچه رضای "من یظهره الله" امروز همین بیان است الی حین ظهور او آنوقت مجدد میشود رضای او بظهور او لم یزل و لا یزال این شأن مشیت بوده عند الله و خواهد بود

و هیچ ظهوری نمیشود الا آنکه از مؤمنین بآن ظهور از برای ایمان بظهور بعد عهد گرفته میشود که اگر وفا کنند احدی در نار نمی ماند چنانچه اگر حروف کتاب الف و فاء بعهد عیسی - علیه السلام - نموده احدی در نار نمانده بود عند ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - و همچنین در فرقان اگر کل در نزد ظهور ظهور الله مستشرق بضياء اشراقات او گشته حکم دون ایمان بر احدی از اهل فرقان نشده و احدی از آنها در نار نمانده و همچنین اگر کل مؤمنین ببیان مؤمن شوند "بمن یظهره الله" احدی در نار نخواهد ماند و حکم دون ایمان بر احدی نخواهد شد

ولی مراقب ظهور بوده که قدر لمحة فاصله نشود ما بین ظهور و ایمان کل من آمن بالبیان که بقدر طول الی المستغاث هم لایق نیست که بمانند اگر احتیاط دامن گیر ایشان شود که آن احتیاط در نار بوده و هست اگر چه امید از فضل خداوند عطف و رؤف این است که در حین ظهور باو امر عالیة خود در الواح خود کل عباد خود را از رقد بیدار نماید و نگذارد الی امر محکم بیان که تا غیاث یا مستغاث شده در نار بمانند

چه کسی عالم بظهور نیست غیر الله هر وقت شود باید کل تصدیق بنقطه حقیقت نمایند و شکر الهی بجا آورند اگر چه امید از فضل او است که تا مستغاث نرسد و از قبل کلمة الله مرتفع گردد و انما الدلیل آیاته و الوجود علی نفسه نفسه اذ الغیر یعرف به و هو لا یعرف بدونه سبحان الله عما یصفون.

